

## کنگاشی پیرامون پایه های قدرت شاه اسماعیل صفوی

### دکتر حمیدرضا صفاکیش

استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

Dr.h.safakish@gmail.com

---

### چکیده

شاه اسماعیل اول سلسله ی صفویه را در سال ۹۰۷ ه.ق/۱۵۰۱م. تاسیس کرد و نام جد خود ، شیخ صفی الدین اردبیلی را بر آن نهاد . دلاوری ها و کامیابی های وی او را در اعداد نوایغ تاریخ قرار می دهد و بی گفت و گو سال های زندگانی او بیشتر شباهت به اساطیر باستانی و افسانه های حماسی دارد. اقبال به مذهب امامیه ، بهره گیری از مقام سیادت ، دودمان و اصالت خانواده ، مشی و طریقت صوفیانه ، لیاقت و شجاعت متهوران، سخاوت در غنائم و توزیع عادلانه ، تشکیل سپاه موافق تحت عنوان « قزلباش» و دیگر خصوصیات از جمله مباحثی است که در این مقاله مورد بررسی و واکاوی می باشد.

**واژگان کلیدی:** مذهب امامیه ، مقام سیادت، سپاه قزلباش ، طریقت صوفیه

**مقدمه**

دوره ی صفویه از دوره های میانی تاریخ است. از این رو پیش از آن، سرزمین ایران دوره های زیادی را با نشیب و فراز تاریخی پشت سر گذاشته و طبیعتاً تحولات و دگرگونی های بسیاری را به همراه داشته است. (آژند، ۱۳۸۵، ص ۱۱)

پادشاهان صفوی جزء مقتدرترین سلاطین ایران محسوب می شدند که قدرت آنان بر سه پایه استوار بود: اول نظریه حق الهی پادشاهان ایرانی، و این حق بر این اساس مبتنی بود که این پادشاهان از « فر ایزدی » بر خوردارند. این نظریه که متعلق به دوران قبل از اسلام بود با تمام شکوه قبلی اش بکار گرفته شد و در هیئت جدید آن که فرمانروا « سایه ی خدا بر روی زمین » « ظل الله فی الارض » است، مجدداً ظاهر شد؛ دوم، ادعای شاهان صفوی بود مبنی بر اینکه آنان نماینده ی مهدی (ع) بر روی زمین هستند که دوازدهمین و آخرین امام شیعیان اثنی عشری می باشد که در سال (۲۵۵ه.ق/ ۸۷۰ م.) غائب شد و بازگشت وی پیام آور روز داوری است؛ سوم، مقام پادشاهان صفوی به عنوان مرشد کامل پیروان طریقت صوفیه که بنام صفویه شناخته شده اند. سیوری، ۱۳۶۳، ص ۳) روملو در حوادث سال ۹۰۷ تصریح می کند که در این سال چند حاکم که هر یک داعیه استقلال داشتند (در ولایت ایران لوای «انا و لا غیر» برافراشته بودند) از جمله سلطان حسین بایقرا در خراسان، بدیع الزمان میرزا در بلخ، سلطان مراد در عراق عجم، حسن کیای چلاوی در سمنان، مراد بیگ بایندر در یزد، و شاه اسماعیل در آذربایجان بودند. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۴۲) اما شاه اسماعیل که از میان همه این حکام تازه نفس تر بود و نیروی گسترده ای تحت عنوان قزلباش در اختیار داشت که در اطاعت و شجاعت ضرب المثل بودند، با درایت و لیاقت و سرکوب مدعیان مشکل داخل ایران را حل کرد. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۴۳)

**۱- شخصیت، شجاعت و تدبیر شاه اسماعیل در سلطنت**

برجسته ترین ویژگی شاه اسماعیل شجاعت او بود که در بین ترکان ضرب المثل شده بود. (روملو، ۱۳۴۹، ص ۲۳۷) به گفته ی خلاصه التواریخ در شجاعت، میراثی از حضرت شاه ولایت داشت. (خواند میر، ۱۳۵۹، ص ۵۴۷)

وی به خاطر قریحه ی شاعرانه اش دو دیوان تصنیف کرد که اولی را به ترکی و دومی را به فارسی در مدح ائمه سروده بود. وی به «خطایی» تخلص می کرد. او در اشعار خود حامیانش را جماعت درویشان جنگجو خطاب می کرد و آنان را غازی صوفی وافی می نامید. (غلام سرور، ۱۳۷۴، ص ۱۲۴) سواران قزلباش او را مانند معبودی می ستودند. (شوستر والسر، ۱۳۶۵، ص ۱۵) در دلاوری هیچ یک از سردارانش به گرد او نمی رسیدند، به شکار میل مفرطی نشان می داد و در مسابقه تیر و کمان از هر ده سیب زرینی که به نشانه گذاشته بودند هفت سیب را به زیر می انداخت. (روملو، ۱۳۴۹، ص ۲۳۷)

گشاده دستی در تقسیم تمامی غنایم میان سربازان یکی از مهمترین عوامل کامیابی بعدی این شاه جوان بود. با این خصائص و فضائل بود که شاه برومند و تیزبین توانست برای مدتی طولانی با داشتن سن اندک قزلباشان را در اطراف خویش نگه داشته، دولت صفویه را تاسیس کند. (طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۴۹، ص ۱۷۷)

بزرگی کار وی در برانداختن تمامی سلسله های کوچک و بزرگ نشان از قدرت نظامی و مهمتر از آن فکر پخته سیاسی او دارد، البته تاسیس چنین دولتی با چنین فتوحاتی بی مانند نبود، اما در برابر آنچه از تاسیس دولت مهمتر بود نقش شاه اسماعیل در جایگزینی مذهب تشیع دوازده امامی به جای مذهب تسنن در بخش های عمده ی ایران بود. (روملو، ۱۳۴۹، ص ۲۳۷)

در جهانگشای خاقان آمده است درویشی بنام بابا خیر الله از اهالی ابهر با الوند میرزا و مراد بیگ دیدار می کند، به ایشان می گوید به اشارت از عالم غیب دریافته است که به زودی از گیلان شخصی ظهور خواهد کرد که شان و شرف دین محمد را افزون و مذهب دوازده امامی را بر پا، نظم و نسق را در مملکت ایران احیا خواهد کرد. این پیشگویی گفته شده بسیار موثر بوده بطوریکه در تصمیمات الوند میرزا و مراد بیگ برای حل و فصل اختلافاتشان تاثیر بسزا گذاشته است. این پیشگویی در راستای شان و شخصیت شگفتی ساز شاه اسماعیل تحقق یافت. (سیوری، ۱۳۸۰، ص ۳۳)

در باب هوش و فراست او آورده اند وقتی شبیک خان به ممالک خراسان یورش برد شاه اسماعیل پیغام فرستاد و گفت برای رفع کینه و عداوت بهتر است میان آنها رابطه پدر و فرزندی برقرار باشد

شیبک خان پاسخ فرستاد که ادعای پادشاهی از سوی شاه اسماعیل پایه و اساسی ندارد زیرا هر کسی باید پیشه پدر در پیش گیرد و از سوی مادر نمی تواند متصدی مقامی گردد امیر حسن بیگ وقتی دختر خود را به عقد و ازدواج پدرت حیدر در آورد خود را از دایره پادشاهان دوران خارج ساخت در این روزگار که من سلطان پسر سلطان پادشاه هستم تو را نمی رسد که از جانب مادر دعوی پادشاهی کنی. پس شیبک خان عصا و کشکولی برای اسماعیل فرستاد و گفت پیشه پدر را فراموش کرده ای، اینها می تواند یاد آور آن اطوار باشد. (نوایی، ۱۳۸۵، ص ۷۶) شاه اسماعیل با ملاحظه مراتب ادب و مقتضیات سلطنت با این دو بیت و مطالب زیر پاسخ به نامه شیبک خان داد: (ولایتی، ۱۳۸۶، ص ۵۵)

هرچه آن برهم نهاده دست حرص و فهم و فکر  
کبریايش سنگ بطلان اندرو انداخته  
در دبیرستان علم لایزالش، عقل کل  
همچو طفلی در بغل لوح بیان انداخته  
اگر پسران پیشه ی پدر را در پیش گیرند لاجرم همه فرزندان آدم باید به کار نبوت بپردازند و اگر پادشاهی به ارث باشد بنابراین باید در خاندان پیشدادیان می ماند و به کیانیان نمی رسید و همین طور به چنگیز و خود شیبک خان و سر انجام شاه اسماعیل اعلام کرد که آماده جنگ با شیبک خان است. (نوایی، ۱۳۸۵، ص ۷۶) دیگر گزارشی که از صفات او در اختیار است، ملاقات خصوصی یک تاجر ونیزی است که با اسماعیل گفتگو می کند و نامش ذکر نشده وی نیاز به حکمی قضایی از جانب شاه داشت تا بدهکاران بد حساب را به پرداخت مجبور سازد، او شاه را مردی قوی و رویین تن و حتی فنا ناپذیر می داند و می گوید مردم آماده بودند بدون اسلحه در نبردها برای او خود را قربانی کنند. (شوستر والسر، ۱۳۶۵، ص ۱۵) این جنبه ی تقدس در تاریخ ایران زیاد به چشم می خورد این امر تنها در تاریخ ایران اسلامی منحصر نمی گردد، بلکه در ایران عهد باستان نیز ریشه دارد. (روملو، ۱۳۴۹، ص ۳۰۳) شاه اسماعیل در راس کامل ساختار اجرایی صفویه بین سالهای ۹۰۷-۹۲۰ قرار داشت و از جنبه ی نظری قدرت مطلق به شمار می آمد. او تجلی زنده الوهیت و سایه ی خدا بر زمین محسوب می شود و از آنجا که فرمانروا منصوب مستقیم خداوند تلقی می شد زیر دستانش ملزم به اطاعت از او بودند. (سیوری، ۱۳۸۰، ص ۲۹) شاردن فرانسوی، قدرت پادشاهان ایران را بیشتر از قدرت هر پادشاه دیگر در جهان می

دانست. هر کس که صاحب مقامی در دولت بود، بنده ی شاه محسوب می شد. مالش و جان فرزندان او در اختیار شاه بود. ( سفرنامه شاردن، ۱۳۷۳، ص ۱۳۹ ) کمپفر نیز شاه ایران را از حقوق کاملاً نامحدود بر خوردار می داند، می نویسد پادشاه صفوی « به هر کاری مجاز است و هیچ رادع و مانعی در سلطنت خود نمی شناسد» ( کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۳۸ ) این استبداد و استقلال و مطلق بودن با جنبه های دینی حکومت صفویان گره خورده بود. چنانچه صائب تبریزی می گوید:

شود چون شامل احوال خلق لطف خدا  
سیریر ملک به شاهنشهی کنند عطا  
بود اطاعت او چون اطاعت جدش  
فریضه ای که ندارد به حکم شرع قضا

اسماعیل نزدیک به پنج سال (۹۱-۱۴۹۴ م.) در لاهیجان سر کرد به وی چند عمارت زیبا در نزدیکی مدرسه کیفریدون اختصاص داده و شمس الدین لاهیجی را به مقام معلم فارسی و عربی بر او گماشتند. ( روملو، ۱۳۴۹، ص ۸ ) قرآن آموزی بخش عمده ی درس و بحث او بود (همان، ص ۸) و میرزا علی کارکیا و برادرش سلطان حسن از هیچ چیز در تکفل خدمت او فرو گذاری نکردند (منشی ترکمان ۱۳۷۷، ص ۲۷). شاه اسماعیل موسس سلسله صفویه بدون تردید یکی از مردان لایق و کم نظیر تاریخ بعد از ظهور اسلام در ایران است. (ولایتی، ۱۳۸۶، ص ۲۳) هنگامیکه در چالدران مالتوج اوغلی را به قتل رسانید، جسد او را نزد سلطان سلیم بردند و او ضربت اسماعیل را دید، آنگاه گفت: "غیر از کسی که منتسب به فرزندی مظهر العجایب باشد هیچ آفریده ای را قدرت نیست که اینگونه تیغ بزند". (خواند میر، ۱۳۵۹، ص ۵۶۷) اسماعیل در راس هرم قدرت قرار گرفته بر همگان و همه امور اشراف داشت. نظام سیاسی ایران تنها به لحاظ سیاسی مطلق نبود بلکه قلمرو حیات اجتماعی و اقتصادی را نیز در بر می گرفت. هر اقتداری از او ناشی می شد. (طباطبایی فر، ص ۲۲۰) نیکلا سانسون در اشاره به اقتدار شاه ایران در سفرنامه ی خود می نویسد: همه ایران ملک اربابی شاه است زیرا اگر زمین در مالکیت بزرگان و ملاکان قرار دارد به لطف پادشاه است و هر گاه او بر ارباب یا بزرگی خشم گیرد املاک او را ضمیمه املاک خود می کند. (سانسون، ۱۳۷۷، ص ۱۷۴)

## ۲- اقبال به مذهب امامیه (دین سالاری)

مذهب شیعه ی اثنی عشری پس از حمله مغول و بر افتادن خلافت عباسی در دو جنبه متجلی گردید :

۱- مسائل اصیل دینی و فقهی

۲- حرکت های سیاسی و نظامی

خواجه نصیر الدین طوسی ، علامه حلّی ، ابن مکی (شهید اول ) ، سید حیدر آملی ، ابن فهد و غیره .... در جهت تشیع فقهاتی بودند و در آثار و بحث و مطالعاتشان سعی بر این داشتند با فقه ، تشیع اثنی عشری را غنا بخشند و به حل و عقد مسائل و مراتب آن پردازند . (مزاوی ، ۱۳۶۳ ، ص ۲۰) باید گفت تشیع از زمان ظهورش به صورت یک جناح سیاسی در اسلام از زمان حیات پیامبر (ص) با نام علی (ع) تا بر قراری شیعه اثنی عشری در زمان شاه اسماعیل یعنی نه قرن بعد یکی از طولانی ترین و پر جاذبه ترین فصول تاریخ اسلام را تشکیل می دهد. (براون ، ۱۳۱۶ ، ص ۵۴)

اما تشیعی که حرکت سیاسی و نظامی از خود نشان داد بیشتر از دوره سربداران آغازید . شیخ خلیفه یکی از علمای شیعه این زمان بود و مردم را برای مبارزه با ظلم و ستم حکام و ایجاد نوعی حکومت اسلامی با تاکید بر مذهب شیعه فراخواند که او را متهم کردند به اینکه حدیث دنیا می گوید و شهیدش کردند ، شاگرد او شیخ حسن جویری دست به هجرت زد و منطقه خراسان بزرگ را گشت و راهی عراق شد. تعالیم شیعی وی منطقه را از نظر فکری و عقیدتی برای یک قیام همه جانبه آماده ساخت . مذهب امامیه از دوره سربداران دست به حرکت سیاسی و نظامی زده و راه را برای روی کار آمدن صفویان هموار ساخت ، (مزاوی ، ۱۳۶۳ ، ص ۲۰) این تفکر که با اصول شرعی اش هدایت می شد تحت رهبری یک سلسله از رهبران با تقوا و موقع سنج به مبارزه بی امان خود ادامه داد تا اینکه نوعی حکومت قانونی مورد درخواستش را برقرار نمود. (روملو ، ۱۳۴۹ ، ص ۹)

مذهب تشیع دارای تاریخ طولانی کامیابی و ناکامی است. تاریخ اسلام پر است از سرآمدان شیعی مذهب که تمام تلاش خود را داشته اند تا شکل حکومتی خود را ( یعنی امامت را ) برقرار سازند. (مزاوی ، ۱۳۶۳ ، ص ۲۷)

از جمله دولت زیدیه در مازنداران، سلسله های علویان در مراکش و یمن، دولت فاطمیان اسماعیلی در مصر، رهبران شیعی آل بویه در بغداد، نهضت حسن صباح و پیروانش. و آنها یک از هزار بود که گفته شد. (لویس، برنارد، ۱۳۸۴، ص ۷۵)

او مذهب شیعه ی اثنی عشری را به عنوان مذهب رسمی حکومت صفوی اعلام نمود که این خود عاملی بسیار مهم در تبدیل ایران به یک واحد ملی (کشور مستقل) برای اولین بار پس از حمله اعراب بود. (Donzel, p176)

تشیع اثنی عشری شالوده یکی از پایه های قدرت رهبران صفویه بود. آنها مدعی بودند که نماینده ی امام دوازدهم (حضرت مهدی (عج)) هستند و با اظهار این مطلب که حسین (ع) پسر کوچکتر امام علی (ع) با دختر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی ازدواج کرده است، شیعیان خاندان علی (ع) را میراث کهن سلطنت در ایران و حق الهی شاهان ایران که منشاء آن فرایزدی بود پیوند داده بودند. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

نخستین اقدام شاه اسماعیل صفوی پس از تاج گذاری رسمی کردن مذهب شیعه امامی در ایران بود. از قدیمی ترین سندهای عهد شاه اسماعیل چنان بر می آید که فکر ترویج و تعمیم مذهب شیعه در ایران صرفاً پرورده ذهن این پادشاه جوان بوده است. (طاهری، ۱۳۴۹، ص ۱۸۰)

ظاهراً در شبی که فردایش برای نشستن بر تخت پادشاهی تعیین شده بود اسماعیل این فکر را با سرداران و چند تن از علمای شیعی مذهب در میان نهاده بود، همگی به او یادآور شده بودند که از سیصد هزار نفر از ساکنان شهر تبریز دست کم دویست هزار نفرشان سنی اند و اگر قرار باشد روز بعد علناً در مسجد جامع شهر خطبه به نام دوازده امام خوانده شود خطر آن در میان است که سر به شورش بر دارند و در آن صورت چه باید کرد. (منشی ترکمان، ۱۳۷۷، ص ۲۹)

شاه فرمود که مرا بدین کار وا داشتند و خدای عالم با حضرات معصومین همراه من اند و من از هیچ کس اندیشه ندارم به توفیق الله تعالی اگر رعیت حرفی بگویند شمشیر می کشم و یک کس را زنده نمی گذارم. روز جمعه می روم و خطبه مقرر می دارم تا بخوانند، اما شاه والا جاه نیز در این فکر بود، زیرا می دانست که قزلباش راست می گویند. (مینوریسکی، ۱۳۳۴، ص ۹) وقتی شاه اسماعیل در تبریز فرمانش را مبنی بر گفتن اذان و کلمه طیبه (اشهد انّ علیاً ولی الله) و (حیّ

علی خیر العمل) صادر کرد یکی از مورخین بزرگ نوشت این عبارات که مخصوص مذهب شیعه اثنی عشری است به مدت پانصد و بیست و هشت سال هرگز در سرزمینهای اسلامی به گوش کسی نخورده بود. (غلام سرور، ۱۳۷۴، ص ۷۳) زیرا تا آن زمان دوستان اهل بیت در اختفاء زندگی می کردند و مذهب تشیع چنان در تبریز غریب و مهجور بود که بر اثر نبودن کتب فقهیه، مردم در زحمت بودند. (ولایتی، ۱۳۸۶، ص ۲۵) رویدادهای بیشمار تاریخ بشری نموداری از کامیابی های شگفت انگیز آدمی در پرتو اعتقاد به حقانیت و درستی مسائلی است که خود باور دارد چنانچه مرشد خردسال صفوی در عالم خواب از زبان حضرت علی (ع) شنیده بود که نباید دغدغه ای به خاطر راه دهد و او هم بزرگان قزلباش را مجاب کرده بود که در صورت لزوم متوسل به خشونت گردند. (غلام سرور، ۱۳۷۴، ص ۷۳)

موضوع علوی بودن صفویان دارای اهمیت زیادی است که این اعتقاد آنان را در نبرد با دشمنان کمک قاطع کرده است. (ولایتی، ۱۳۸۶، ص ۱۳) اسماعیل با شکوه زیاد وارد شهر تبریز شد او پس از از بین بردن مخالفان در همان بدو ورود تاجگذاری کرد و لقب خود را "ابو المظفر شاه اسماعیل الهادی الولی" داد و دستور داد در روز جمعه در مسجد تبریز خطبه بنام دوازده امام بخوانند و چون خطبه خوانده شد غلغله از مردم برخاست. (میر احمدی، ۱۳۷۱، ص ۴۵) زیرا مردم تبریز اغلب اهل سنت بودند.

مقاومت مردم در برابر این خطبه بسیار شدید بود اما جوانان قزلباش معترضین را از میان برداشتند و پس از برقراری آرامش سکه زده و عبارات لا اله الا الله و محمد رسول الله و علیاً ولی الله نیز بر روی سکه زده و بر پشت آن نام و لقب اسماعیل و در حاشیه آن نام چهارده معصوم (ع) ضرب شد.

به همین ترتیب سیاست جدیدی توسط اسماعیل بنیان نهاده شد و مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام گردید و در پی آن افرادی به نقاط دور دست و سرزمین های مجاور برای رساندن این پیام گسیل داشت. (میر احمدی، ۱۳۷۱، ص ۴۶)

شاه اسماعیل به اعتبار سیادت خود را مستحق امامت و خلافت می دانست، به همین جهت در نامه ای به شیبک خان ازبک چنین نوشت و قاضی احمد قمی در خلاصه التواریخ متن آنرا آورده،

با اشاره به تقیه امامان در آن شرایط دشوار ، دولت صفوی را بر آمده از « چمن دلگشای خاندان نبوت و ولایت و مکمن عالم آرای دودمان سیاست و سعادت » دانسته ، خود را مصداق روایت لکل اناسِ دوله و دولتنا فی آخر الزمان معرفی کرد . اسماعیل در اشعار ذیل به نسل خود که ذریه علی (ع) و فاطمه (س) است افتخار می کند . او معتقد بود که ذات باری تعالی در علی (ع) مجسم شده است و او (اسماعیل) اغلب با خدا بوده ولی حالا بر روی زمین ظاهر شده است ، جلوه های نبوت و امامت در او جمع شده است و به صورت نور الهی ، خاتم و مهر پیامبران ، مرشد کامل و امام راهبر متجلی شده است مثل حلاج که (انا الحق) در وجود او متبلور گشته است . (مینوریسکی ص ۸۴) اشعار مذهبی شاه اسماعیل که تحت عنوان خطایی در میان صوفیان پیروش گسترش یافته بود ریشه های این تعصب را آشکار می سازد. (جعفریان ، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

به جز آل احمد اولو الامر کیست  
سخن گفتن از بکر و از عمرو چیست  
جگر گوشه شاه مردان منم  
شه شیر دل میر میدان منم  
تو خان جهانی و خاقان منم  
تو مور ضعیف و سلیمان منم  
زمان تو شد ، نوبت من رسید  
سحر رفت و صبح سعادت دمیم  
چنانکه در جای دیگری می گوید من همراه منصور بر دار بوده ام ، با خلیل الله در نار بوده ام ، با موسی در کوه طور بوده ام ، شاه غازی دیندار من هستم. همان (جعفریان ، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

### ۳- بهره گیری از مقام سیادت

صفویان خاندانی مذهبی بودند که از زمان شیخ صفی الدین اردبیلی (۶۵۱-۷۳۵ه.ق.) موسس طریقت صفوی ، نامشان در تاریخ کشور ایران جاودانه شد . در مورد منشاء این خاندان نظرات متفاوتی وجود دارد و در حالیکه صفویان و به تبع آنان مورخان درباره ی ایشان ، نسب نامه های ترکی- عربی قائل می شوند بسیاری از محققان معاصر صفویان را خاندانی « کرد نژاد » معرفی می کنند (کسروی ، ۱۳۴۲، ص ۱۴) و معتقدند که صفویان به زائل کردن منشاء کردیشان و از بین بردن شواهدی که در این مورد وجود داشته است مبادرت ورزیده اند، اما علت این کار چه می توانسته باشد ، پاسخ این سؤال رابطه تنگاتنگی با بحث مذهب و ادعای سیادت خاندان صفوی دارد که این دو مسئله نیز در بین محققان تاریخ صفویه بحث بر انگیز است. (مزاوی ، ۱۳۶۳، ص ۱۴۴)

کسروی مصرانه معتقد است که اجداد صفویان سنی مذهب بوده اند. (شجاع، عبدالحمید، ص ۹۸) البته باید خاطر نشان کرد که شواهد تاریخی معتبری نیز در مورد این ادعای کسروی وجود دارد. حمد الله مستوفی که معاصر شیخ صفی الدین اردبیلی بوده است در مورد مردم اردبیل می نویسد که بسیاری از آنان شافعی مذهب و پیرو شیخ صفی الدین بوده اند. (میر احمدی، ۱۳۷۱، ص ۲۱) این محقق همچنین ادعای سیادت صفویان را ساختگی می داند و معتقد است که مورخین درباری صفویه به دستور سلاطین صفوی این نسب نامه را جعل کرده اند. (کسروی، ۱۳۴۲، ص ۱۵) اما سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که چه ارتباطی می تواند بین «سیادت» و تشیع خاندان صفوی با منشاء صفویان وجود داشته باشد؟ در پاسخ به این سؤال می شود چنین استدلال کرد که چون کرد ها از اصیل ترین و قدیمی ترین اقوام ایرانی بوده اند ادعای سیادت صفویان با منشاء کردی شان پذیرفتنی نمی نمود (کسروی، ۱۳۴۲، ص ۱۵)

همچنین چون کردها اکثراً سنی مذهب بودند، و هنوز هم هستند، منشاء کردی شان می توانست تشیع آنان را زیر سؤال ببرد. از این رو سلاطین متقدم صفویه، منشاء کردی شان را نادیده گرفتند تا به قول طوغان، فیروز شاه کرد را از نظر خصوصیت به خاندان پیامبر نسبت دهند. (مزاوی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴)

البته به درستی مشخص نیست که ادعای سیادت و تغییر مذهب صفویان در زمان کدامیک از پیشوایان طریقت صفوی انجام گرفته است. سیوری معتقد است که طریقت صفویه از زمان «خواجه علی» ماهیت شیعه به خود گرفته است. (سیوری، ۱۳۸۰، ص ۱۲)

سومر معتقد است که خاندان صفوی در زمان شیخ جنید ادعای سیادت نمودند (سومر، ۱۳۷۱، ص ۵) اما به طور قطع شیخ جنید را می توان در بر دارنده هر دو عنوان سیادت و تشیع دانست. (سیوری، ۱۳۸۰، ص ۱۲) شاه اسماعیل برای استوار کردن موضع خود در اداره کشور و نفوذ در میان مردم از عنوان سیادت که به اعتبار آن مستحق امامت و خلافت می شد نیز بهره می برد. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۶۷) ادعای سیادت دودمان صفوی تا خاندان حضرت علی (ع) فقط یک قسمت از شجره شیخ صفی الدین اردبیلی را در بر گرفته است که تا جدش فیروز شاه پیش می رود. به نظر می رسد که از فیروز تا شیخ صفی ز طریق عوض، محمد صالح، قطب الدین و

جبرئیل) صحیح باشد. از نسل چهاردهم که فیروز را به امام هفتم حضرت موسی کاظم (ع) ربط می دهد جای شک باشد (صفت گل، ۱۳۸۱، ص ۲۸)

#### ۴ - مشی و طریقت صوفیانه

شیخ صفی الدین اردبیلی مردی صوفی، عارف و شاعر بود و روزگاری از خرابی حال می نالید. وی سالهای عمر خود را با روش واقعی صوفیانه در راه الهام و مکاشفه گذرانید (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸، ص ۱۰) تا بالاخره آنچه را که می خواست در وجود شیخ زاهد گیلانی یافت که طریقت وی از طریق سلسله مراتب رهبران صوفی گری به حسن بصری و علی بن ابیطالب و پیامبر می رسید. (درویش توکلی، بی تا، ص ۳۶) پس از وفات شیخ زاهد بود که طریقت او در راس طریقت قرار گرفت. طبق منابع موجود مریدان او از شمار فزون بودند. (مزاوی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۹) این رباعی از اوست:

هرگه که رسی به خلوت یار ای دل  
از من برسان سلام بسیار ای دل  
وانگه خبر از خرابی حالم گوی  
ز نهار ای دل، هزار ز نهار ای دل  
عباس اقبال محقق معاصر ایران در تاریخ مفصل خود می گوید تعداد صوفیان در آذربایجان، گیلان و مازندران در اواخر دولت ابوسعید روبه ازدیاد گذاشت او همچنان از اهل (فتوت) و اهل (اخوت) صحبت می دارد و اضافه می کند در تمام موارد علی بن ابیطالب (ع) (فتی) و مولای گروههای متصوف و (اخیها) بود. (اقبال آشتیانی، ص ۴۶۶) در بخشهای مختلف (صفوة الصفا) سیره شیخ صفی الدین با توصیف و تمجید همراه است. یکبار از شیخ می پرسند بر کدام مذهبی؟ فرمود که ما مذهب ائمه داریم و آنها را دوست می داریم. هر چه اسند و اجود بود آنرا انتخاب می کرد و بدان عمل می کرد و راه خصلت و سهولت را بر خود و مریدان می بست که رخصت میدان نفس را فراخ می کند پس بدان عمل نمی کرد و به دقایق اقاویل وجوه که در مذاهب است کار می کرد. (فضلی اصفهانی، بی تا، ص ۳۵۷) اصولاً تبدیل صورت روحانی تصوف صفوی به روشی سیاسی، روحانی از پایه های مهم تصوف صفویان بود که مراد را به عنوان مرشد کامل مطرح می کرد و از مریدان می خواست که بدون چون و چرا از فرمان او پیروی کنند. (میر احمدی، ۱۳۷۱، ص ۳۶) بخشی از مباحث دینی روزگار صفویان به موضوع تصوف اختصاص می

یابد، در این زمینه دولت صفوی رفته رفته سیاستی رسمی را پیش می‌گیرد. ظهور یک (سلسله النسب) و پس از آن یک (سلسله الصفا) مبین گرایش ویژه در مورد خاستگاه دینی آنها بود (صفت گل، ۱۳۸۱، ص ۲۸). عنوان و مقام مرشد کامل نیز یکی دیگر از پایه های قدرت رهبر صفوی بود. بنیاد دولت صفوی از زمانی شروع شد که خانقاه شیخ صفی مریدان بیشمار خود را از حالت تصوف عادی به نوعی تصوف سیاسی سوق داد. آغاز پیشوایی شیخ جنید بر طریقت صفوی نقطه ی عطفی در فعالیت های سیاسی، نظامی صفویان برای دست یابی به قدرت محسوب می شود. بیهوده نیست که او اولین رهبر طریقه صفوی بود که لقب سلطان اختیار می کند (سیوری ۱۳۸۰، ص ۱۲). بعد از مرگ زود هنگام جنید نه تنها نهضت صفویه از حرکت نایستاد بلکه با جانشینی حیدر تلاش صفویان برای دست یابی به قدرت دنیوی شتاب بیشتری گرفت و این بی شک مدیون فضائل و اقدامات شخص شیخ حیدر بود. از اقدامات شیخ حیدر در بدو امر این بود که تاجی دوازده ترک (اشاره به مذهب اثنی عشری) از سقرلاط قرمز برای خود و پیروانش ترتیب داد تا بدین وسیله از دیگران متمایز باشند. (ولایتی ۱۳۸۶، ص ۲۰) هیئتس در توصیف این مرد گفته است: " شیخ حیدر مردی بوده است مصمم و با هدف که خیلی بیشتر از پدرش جنید توانست از پیروان طریقت درویشی، مشتی مردم جنگجو بسازد و آنها را به وسیله رسیدن به هدف خود که تحصیل اعتبار و نفوذ سیاسی بود قرار دهد" (هیئتس، ۱۳۶۲، ص ۹۱) اساس نگرش صوفیان، شعار اخلاص آنها نسبت به مراد بود و مراد آنها شاه اسماعیل بود. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

شاهان صفوی در عین حال که مروج دین حقه و شریعت پناه معرفی می شدند، به شدت از سوی مراجع و بزرگان دینی، مورد حمایت قرار داشتند و در همان حال نقش خود را به عنوان مرشد و صوفیه، حفظ کرده به گونه ای تنش میان ساختار شریعتی و طریقتی صوفیانه ی صفوی را که بخش عمده ای از توان جنگی بدان متمایل بود، حفظ می کردند (مزاوی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۶). صوفیان اگرچه مدعی نوعی رهبری مذهبی از طریق خاستگاه صوفیانه ی خویش بودند، اما هرگز نتوانستند آنها را تعمیم بخشند، بنابراین به شتاب در صدد کسب مشروعیت از راههای دیگر بر آمدند، ترویج ادعای انتساب به خاندان پیامبر (ص) و تلاش برای دین حقه ی خود قرار دادند که این

رویه همچنان تا بر افتادن آنان باقی بود (صفت گل، ۱۳۸۱، ص ۶۰۰). صوفیان در دوره ی صفوی از سایر قبایل قزلباش به شاه نزدیک تر بودند و آنان را خلیفه الخلفا می گفتند (فلسفی، ۱۳۶۹، ص ۴۰۷). گرایش به سیاست صوفیان نتیجه تحولاتی بود که قبل از روی کار آمدن اسماعیل اتفاق افتاده بود زیرا ورود به سیاست اسباب طعن و لعن صوفیان اردبیل بود چرا که از یک صوفی انتظار آن نمی رفت که (سجاده تقوا را غاشیه زین سازد) و (به جای علم هدایت، رایت سرهنگی) (خرقه پرهیز را قبای خونریزی) سازد. با این حال ارادت مریدان به شیخ تا بدان پایه بود که این سخنان چندان تاثیری در میان آنان نداشت. در برابر این اتهامات دفاع صوفیان، اشاعه مذهب حقه ی جعفری بود. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۰)

در بدو ظهور شاه اسماعیل، صوفیان پیکره هایی نظیر پیکره علی (ع) تصویر کرده و به او تعظیم و تکریم می نمودند، افراد دیگری نیز بودند که با کتابی در دست نبرد های علی (ع) و شاه اسماعیل را برای مردم می خواندند که به این ها تبرائیان گفته می شد (آژند، ۱۳۸۵، ص ۳۷). صوفیان سازمان عریض و طولیلی با عنوان خلیفه گری نیز داشتند که در همه ی نقاط با مریدان پیوند داشت، بنیاد مشروعیت شاه اسماعیل بر این اساس گذاشته شده بود. برقراری تشیع اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور توسط صفویه موجب ایجاد آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و بدین طریق ایجاد دولت متمرکز و قویتر شد. (سیوری، ۱۳۸۰، ص ۲۹)

#### ۵ - تشکیل سپاه موافق با عنوان (قزلباش)

غلبه خصلت نظامی در اوایل دولت صفویه مولود شرایطی بود که هنگام به قدرت رسیدن صفویه وجود داشت. عامل روی آوردن افراد به آرمان صفویه چیزی بود که مینوریسکی آن را (ایدئولوژی بویا) نامیده است. اما این آرمان بدون شمشیر تیز قزلباش ها ممکن نبود. معمولاً از شاه به عنوان پادشاه قزلباش یاد می شد (سیوری، ۱۳۸۰، ص ۲۱). بنابراین نباید تعجب کرد که بعد از سلطنت شاه اسماعیل قزلباشان خواستار تصدی مقامات اصلی دولتی شدند، آنرا به دست آوردند. یک قزلباش به مقام جدید وکیل نفس نفیس همایون منصوب گردید. در نتیجه پس از پادشاه قدرتمندترین فرد در دولت قزلباش بود و با دو مقام ارشد نظامی که امیر الامرای ویا فرماندهی کل سپاه و قورچی باشی گری به صاحب منصبان قزلباش رسید (سیوری، ۱۳۸۰، ص ۲۱). بدین ترتیب

قزلباش ها سه مقام مهم از پنج مقام عمده ی دولتی را در دست داشتند. ایمان و علاقه ای که پیروان اسماعیل در آغاز پادشاهی وی به جنگیدن در راه پیروزی مرشد کامل داشتند بی اختیار مورخ را به یاد عشق و ایمان تازیان می اندازد که در زیر لوای اسلام برای نخستین بار به گشودن ایران و واژگون ساختن اساس پادشاهی ساسانیان کمر بستند (طاهری، ۱۳۴۹، ص ۱۸۵). ارتش شاه اسماعیل (قزلباش) تنها سپاهی در جهان اسلام بود که سواره نظام سپاه عثمانی (جان نثاران) برای آن احترامی کینه توزانه قائل بودند (این احترام بخاطر ایمان آنان و آن کینه بخاطر پایداریشان بود) (Donzel, p361)

ایرانیان صاحب مقام های صدرات و وزارت شدند. بنا بر این در دوره سلطنت شاه اسماعیل اول شاخه های مختلف حکومت ماهیت سیاست و ارتش بخش های مجزا نبود. تداخل وظایف به صورت چشمگیری وجود داشت و اهمیت نسبی مقام های عمده بسته به زمان تغییر می کرد. شاید بر جسته ترین مثال از سلطه ارتش بر جامعه این باشد که اعضاء طبقات روحانی نظیر صدرها و قضات غالباً نه تنهادراری رتبه نظامی بلکه فرمانده نظامی هم بودند (سیوری، ۱۳۴۹، ص ۲۱) ولی اختلاف بین قزلباشان متخاصم و ایرانی ها به صورت نژادی وجود داشت.

و بدون شک اقدام شیخ حیدر در تشکیل قزلباشان که به اعتقاد هینتس موجب همبستگی درون هواداران صفویه شد (هینتس، ۱۳۶۲، ص ۹۲)، در موفقیت شاه اسماعیل سهم بسزایی داشت. شیخ حیدر که به جای پدرش، جنید نشست پیروان صوفی خود را که همگی از ترکمانان شیعی بودند تشویق کرد تا تاج سرخی بر سر گذارند و به همین مناسب آنان را قزلباش (سرخ کلاه) نامیدند. وی به کمک اینان توانست در همان آغاز جوانی به فتوحات نائل آید (لکههارت، ۱۳۸۳، ص ۱۵). در راس قزلباشان اسماعیل قرار داشت که مرشد کامل بود. مریدان او روحیه ای فداکار و مردانه داشتند که در راه مرشد خود از هیچ نوع خدمتی دریغ نمی ورزیدند. ضمن آنکه رواج اعتقادات "غالیانه" در مورد شیخ حیدر و پسرش در بین قزلباشان موجب تحکیم قدرت آنان شد. به هر حال شاه اسماعیل سیزده ساله با اتکا به نیروی قزلباشان حرکت تاریخی خود را از لاهیجان به تبریز آغاز کرد و این امر منجر به تاسیس حکومتی مقتدر شد که نزدیک دو قرن و اندی (۹۰۶ - ۱۱۳۵ ه.ق) بر ایران حکومت کرد (شجاع، ص ۱۰۰). قزلباشان در ابتدا از قبایل استاجلو، شاملو، تکلو

، بهارلو ، ذوالقدر ، افشار ، قاجار ، تشکیل شده بودند(منشی ترکمان، ۱۳۷۷، ص ۲۶). اسماعیل در اندک مدتی توانست سپاهی مجهز از قزلباشان تدارک ببیند و شیروان را از فرخ یسار پس بگیرد. او در این جنگ غنایم زیادی به دست آورد. پس از آن در فرصت کوتاهی باکو را نیز متصرف شد. اسماعیل به دلیل رسالتی که بدان معتقد بود قصد خود را اشاعه ی در دین آباء و اجداد و حضرات ائمه معصومین (ع) دانست(منشی ترکمان، ۱۳۷۷، ص ۶۲). قوای نظامی عصر صفوی ارکان دولت قاهره و امرای دولت خانه را تشکیل می دادند که اهمیت آن بسیار زیاد بود. تا قبل از جنگ چالدران ، شرایط سپاه بسیار منظم و با قوام بود ولی پس از شکست سخت از سلطان سلیم مشکلات داخلی شروع شد. تا آن زمان اسماعیل در میان گروه قزلباشان از وفاداری بلا شرط و تقدس الهی برخوردار بود اما در اثر شکست این تقدس از بین رفت و قبایل مختلف کوشیدند تا در سیاست دربار دخالت کنند. (شوستر والسر، ۱۳۶۵، ص ۱۴)

افسانه شکست ناپذیری وی در چالدران پایان یافت. این افسانه بر اساس دعوی جنبه الهی بودن او شکل گرفته بود. قزلباشها پس از جنگ چالدران به رغم تظاهر به تداوم این عقیده عملاً نشان می دادند که دیگر به شخص فرمانروای خود احترام خاصی به عنوان موجودی خارق العاده و شکست ناپذیر قائل نیستند و ایمانشان را نسبت به توانایی های فوق طبیعی شاه از دست داده اند(نوایی ، غفاری فرد ، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). شکست صفویان در (۹۲۰ق) باعث اشغال تبریز و انفعال طولانی شاه اسماعیل تا اواخر عمر شد (ولایتی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶).

در دولت صفوی تشکیلات نظامی زیر نظر قزلباش اداره می شد ، سپاه قزلباش به دلیل شرایط انقلابی در اداره امور ، سخت نفوذ داشت و نیرومند بود و بالاترین مناصب را داشت و در زمان صلح این امیران قزلباش به سمت امارت ایالات و شهرهای مختلف منصوب می شدند و به این ترتیب جمعیتی از طوایف آنان نیز به همراهشان به شهرها مهاجرت می کرده ، در زمان جنگ این افراد با سپاه خود عازم میدان نبرد می شدند ( جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۶۸).

یکی دیگر از اقدامات شاه اسماعیل آشتی میان ایرانیان با قزلباشها بود. برخورد میان این دو عنصر اجتناب ناپذیر بود. قزلباشها که عامل اصلی در به قدرت رسیدن صفویان محسوب می شدند در میراث ملی ایرانی جایی نداشتند ، عناصر ایرانی ( مردان قلم ) در جامعه ی کهن اسلامی در صف

ایرانیان و نماینده دیرپای دیوان سالاری ایرانی بودند که سابقه ی آن به دوره ی پیش از اسلام می رسید و بعد از دوران اسلامی نیز باعث تداوم اداره کشور در دوره فرمانروایی بیگانگان ؛ اعراب ، ترکها ، مغولان و ترکمنها بودند. از نظر قزلباشان ایرانیان غیر ترک حقیر بحساب می آمدند قزلباشها ( اهل شمشیر) ، فرماندهی سپاه و اداره جنگ را مختص خویش می دانستند و خدمت تحت فرمان یک صاحب منصب ایرانی را توهین به خود تلقی می کردند. همچنان که اگر به قزلباشها مقامات سیاسی داده می شد برای ایرانیان ، توهین محسوب می شد . شاه اسماعیل برای آشتی میان این دو عنصر نامتجانس به یک نهاد اجرایی هماهنگ به نام وکیل نفس نفیس همایون که به عنوان نایب شاه عمل می کرد همت گماشت (سیوری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶ و ۱۶۷).

استفاده از عبارت هایی چون قلمرو قزلباش ، دولت قزلباش ، مملکت قزلباش برای توصیف شمشیر تیز قدرت سیاسی آنان کافی بود (سیوری ، ۱۳۸۰، ص ۳۰). سپاهی که شاه اسماعیل به کمک آن دولت خویش را بنیاد گذاشت به هیچ وجه یک سپاه یکپارچه ایرانی نبود . استخوان بندی این سپاه مرکب از ترکمان ها بود قدرت نظامی شاه اسماعیل از پدیده پیر یا مرشد طریقت صفوی ناشی می شد و از طریقی هم وابستگی او به خاندان پیامبر و امام علی (ع) بود (لکههارت ، ۱۳۸۳، ص ۳۲۱).

### نتیجه گیری

نهضت شاه اسماعیل صفوی پس از ناملایماتی که بر سرش آمد در عرض سی و چهار سال فروکش کرد . در واقع نباید فراموش کرد که دعوت صفوی نقش گذاری و تاثیر خارق العاده خود را به خصوص در میان ایلات ترکمان سوریه و شرق آناتولی نباخت . در این نهضت سه عنصر اساسی وجود داشت که به تعبیر مینورسکی ( ایدئولوژی پویای نهضت صفویه ) را شکل داده است .

اولاً مریدان صوفی طریقت صفوی کاملاً سر سپرده مرشد کامل ، شیخ طریقت و مرشد روحانی خود بودند.

ثانیاً عنصر خداانگاری رهبر صفویان به مثابه نوعی فیضان زنده ی باریتعالی بود . بیشتر از روزگار جنید به بعد ، مریدان صفوی رهبر خود را " الله " و فرزند او را " ابن الله " می نامیدند و در مقام

ستایش وی ابراز می داشتند که او (تنها موجود روی زمین است و معبودی جز او نیست). چنانچه اشعار ترکی آذری شاه اسماعیل نکاتی صریح در مضمون الوهیت دارد. چنین آیینی صفویان را در جرگه ی غلات و اهل حق قرار می دهد.

ثالثاً عنصر بعدی دعوت صفویان که پس از استقرار صفویه ، اهمیت درخور یافت و تلاش شاهان در مشروعیت بخشیدن به حکومتشان در آن خلاصه می شد، داعیه آنها در باب نیابت امام مهدی (عج) دوازدهمین امام شیعیان بود. نکته قابل توجه اینکه صفویان در ساخت و پرداخت این داعیه ، سهم و نقش سنتی و کهن مجتهدان را غصب می کردند. اسماعیل با توجه به این سه عنصر دعوت صفوی که آمیزه سکر آوری پدید می آورد می توانست مردمان و معتقدان را به کنش مستقیم وا دارد. ایجاد این سلسله با پایه های قدرت شگفتی ساز و استفاده از اهرمهای ذکر شده در پیشبرد آن به منزله ارتقاء سیاسی ایران به سطح یک دولت ملی بود. در واقع ایران از آغاز این دوره به بعد در راه جدیدی قدم نهاد که پیش از آن این راه را نمی شناخت ، راهی که تا کنون به رغم فراز و نشیب ها تنها راهی است که می تواند ایران مستقل را در صحنه ی جهانی حفظ کند. این آرمانی بود که تا اندازه زیادی از دوره دویست و بیست ساله صفوی محقق گردید. متحد کردن سرزمینهایی که روزگاری در دوره ی ساسانی و سپس دوره ایلخانی با یکدیگر پیوند یافته بودند و این پیوند می توانست نقش تاریخی در عرصه ی فرهنگ و تمدن اسلامی باشد. اقتدار دولتی پس از نه قرن در ایران آن هم با نوید استقلال سیاسی ، وحدت جغرافیایی و مرکزیت قدرت نظامی از قفقاز تا جیحون و خلیج فارس بسیار شگفتی ساز بود. شاه اسماعیل با درایت و افکار بلند و ابزار ذکر شده در این نوشته ، ملت ایران را احیا کرد ملتی دوباره مستقل ، خود محور، پر قدرت و قابل احترام که مورد توجه کشور های اروپایی نیز واقع شد و بعد ها در صحنه ی سیاسی جهانی نیز شهرت یافت را، معماری کرد.

**منابع و مأخذ**

- آزند، یعقوب، نمایش در دوره صفوی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- اصفهانی، فضلی خوزانی، افضل التواریخ، نسخه ی خطی کتابخانه ی کالج آیتون لندن.
- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مفصل ایران، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات خیام، بی تا
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، انتشارات صفی علی شاه، ۱۳۴۸ ش
- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۱۶ ش
- بن اسماعیل، درویش توکلی، معروف به ابن بزاز، صفوة الصفا، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا
- پیرزاده زاهدی، شیخ حسین، سلسله النسب صفوی، برلین، چاپخانه ایرانشهر، ۱۳۴۴.ق
- جعفریان، رسول، صفویه از ظهور تا زوال، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۶ ش
- خواند میر، غیاث الدین بن حمام الدین، حیب السیر، ج ۴، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ ش.
- روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ ش.
- سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد فخر داعی گیلانی، ج ۵، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- سرور، غلام، تاریخ شاه اسماعیل صفوی، ج ۱، ترجمه محمد باقر آرام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴ ش.
- سومر، فاروق، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه ی دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی، نشر گستره، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، تهران، انتشارات کتاب تهران، ۱۳۶۳ ش.
- سیوری، راجر، در باب صفویان، ترجمه رمضانعلی روح اللهی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۰ ش.

- سیوری و دیگران ، صفویان ، ترجمه و تدوین یعقوب آژند ، انتشارات مولا ، ۱۳۸۰ ش.
- شاردن ، ژان ، سفرنامه ، ترجمه اقبال یحیایی ، تهران ، انتشارات توس ، ۱۳۷۳ ش.
- شجاع ، عبدالحمید ، زن سیاست و حرمسرا در عصر صفوی ، انتشارات امید مهر ، سبزوار ، ۱۳۸۴ ش.
- شوستر والسر ، سیببلا ، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپاییان ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۶۵ ش.
- صفت گل ، منصور ، ساختار نهاد و اندیشه ی دینی در ایران عصر صفوی ، انتشارات موسسه ی خدمات فرهنگی رسا ، ۱۳۸۱ ش.
- فلسفی ، نصرالله ، زندگانی شاه عباس ، ج ۲ ، انتشارات علمی ، تهران ، ۱۳۶۹ ش.
- فوران ، جان ، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی ، ترجمه ی احمد تدین ، انتشارات موسسه ی خدمات فرهنگی ، تهران ، ۱۳۸۰ ش.
- کسروی ، احمد ، شیخ صفی و تبارش ، انتشارات پایدار ، چاپ دوم ، تهران ، ۱۳۴۲ ش.
- کمپفر ، انگلبرت ، سفرنامه کمپفر ، ترجمه کیکاووس جهاناداری ، خوارزمی ، چاپ سوم ، تهران ، ۱۳۶۳ ش.
- لکهکارت ، لارنس ، انقراض سلسله صفویه ، ترجمه ی اسماعیل دولت شاهی ، انتشارات علمی فرهنگی ، ۱۳۸۳ ش.
- مزاولی ، میشل ، پیدایش دولت صفوی ، ترجمه ی یعقوب آژند ، نشر گستره ، تهران ، ۱۳۶۳ ش.
- میر احمدی ، مریم ، تاریخ سیاسی اجتماعی ایران در عصر صفوی ، امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۷۱ ش.
- میر احمدی ، مریم ، دین و دولت در عصر صفوی ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۷۱ ش.
- منشی ترکمان ، اسکندر بیگ ، تاریخ عالم آرای عباسی ، ج ۱ ، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی ، دنیای کتاب ، تهران ، ۱۳۷۷ ش.
- مینوریسکی ، ولادمیر ، سازمان اداری حکومت صفوی یا تذکره الملوک ، ترجمه ی مسعود رجب نیا ، باحواشی محمد دبیر سیاقی ، تهران ، ۱۳۳۴ ش.

-نجفی ، موسی ، فقیه حقانی ، موسی ، تاریخ تحولات سیاسی ایران بررسی ، موسسه ی مطالعات تاریخ معاصر ایران ، ۱۳۸۷ ش.

-نویسی ، عبدالحسین ، غفاری فرد ، عباسقلی ، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی...در دوران صفویه ، انتشارات سمت ، ۱۳۸۵ ش.

-ولایتی ، علی اکبر ، تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه اسماعیل صفوی ، انتشارات وزارت خارجه ، ۱۳۷۵ ش.

-ولایتی ، علی اکبر ، فرهنگ و تمدن اسلامی ، چاپ دفتر نشر و معارف اسلامی ، قم ، ۱۳۸۶ ش.

-هیئتس ، والتر ، تشکیل دولت ملی در ایران ، چاپ سوم ، انتشارات خوارزمی ، تهران ، ۱۳۶۲ ش.

مقالات :

۱ - لویس ، برنارد ، علویان ، دانشنامه جهان اسلام ، ج ۱ ، چاپ جدید ،

مبحث تشیع .

**منابع لاتین :**

1. Donzel , Emeri van ,Islamic desk reference: compiled from encyclopedia Of Islam, Leiden; New York: Köln, Brill, 1994



